

روایت‌های فرهنگی در انسان‌شناسی هنر

ابراهیم فیاض

استادیار گروه انسان‌شناسی دانشگاه تهران

اصغر ایزدی جیران

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

فصلنامه هنر
شماره ۸۱

۲۰۰

توجه انسان‌شناسی هنر به روایت از آن جهت است که در واقع «انسان‌ها روایت‌هایی هستند که آنها را نقل می‌کنند» (مک‌آدامز و دیگران، ۲۰۰۶: ۳). اگرچه که انسان‌شناسی هنر به عنوان یکی از شاخه‌های انسان‌شناسی فرهنگی و باستان‌شناختی در دوران زایش آکادمیک انسان‌شناسی در مقام حوزه‌ای خاص از پژوهش مردم‌نگارانه نگریسته نمی‌شد، اما می‌توان حضور موضوعات هنر را در میان آثار بزرگان انسان‌شناسی ملاحظه کرد: مطالعه تطبیقی هنرهای مناسکی اقوام سراسر جهان در اثر مشهور شاخه زرین جیمز فریزر (۱۸۹۰)؛ هنر نوشتار تصویری در کار ادوارد تایلور (۱۹۶۲)؛ هنرهای مناسکی قبایل کواکیتل و بررسی سبک هنرهای تزئینی (و نقاشی) بومیان آمریکای جنوبی در آثار فرانتس بوآس (۱۹۳۸، ۱۹۵۵)؛ مطالعه تطبیقی هنرهای تزئینی (و نقاشی) اقوام آمریکایی و آسیایی و ارائه ایده بازنمود نیمه‌ای در سبک این آثار در کار کلود لوی-استراوس (۱۹۶۷)؛ زمینه‌ها و چارچوب‌های اجتماعی هنر ابتدایی در آثار ریموند فیث (۱۹۷۱).

بازاحیای علائق هنری در انسان‌شناسان و توجه جدی به آثار و کنش هنری در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ در آثار سه تن از انسان‌شناسان هنر پدیدار شد. نانسی مان، آنتونی فورگ و دنیل بی‌بیوک. مان بر هنر

قبیله والیبری؛ فورگ بر سبک و معنای هنر آبلام و بی‌بیوک بر هنر لگا متمرکز شده و به کار بست تجربی رویکردهای نظری به هنر می‌پردازند. آثار هنری در نزد انسان‌شناسان با عناوینی چون هنر بدوی^۱، هنر غریبه^۲، هنر باستانی^۳، هنر قبیله‌ای^۴، هنر باستان‌شناختی^۵، هنر بومی^۶، هنر پیش‌کلمبی^۷، مجسمه‌سازی سیاه‌پوستان^۸، هنر مردمی^۹، هنر سرخپوستی^{۱۰}، هنر قومی^{۱۱}، هنر سنتی^{۱۲}، و غیر غریبی^{۱۳} تعبیر شده است (اینوراریتی، ۱۹۵۵:۳۷۵، سیلور، ۱۹۷۹:۲۶۸).

کلیفورد گیرتس (۱۹۲۶-۲۰۰۶)، بنیانگذار انسان‌شناسی تفسیری، هنر را «تولید آگاهانه یا ترتیبات رنگ‌ها، اشکال، حرکات، صداها یا دیگر عناصر به شیوه‌ای که حس زیبایی را تحت تأثیر قرار دهد» می‌داند (گیرتس، ۱۹۷۶:۱۴۹۷). تعریفی از هنر برای رشته انسان‌شناسی مفید است که در آن آثار هنری دارای خصوصیت «معنایی»^{۱۴} و یا «زیبایی‌شناختی»^{۱۵} باشند و برای اهداف «نمایانی»^{۱۶} و «بازنمایی»^{۱۷} به کار روند (مورفی، ۱۹۹۴:۶۵۵). از آنجایی که کارکرد اصلی و مرکزی هنرها بیان احساسات و عقاید است، انسان‌شناسان این فعالیت‌ها را اشکال «فرهنگ بیانی»^{۱۸} در نظر می‌گیرند (امبر و امبر، ۱۹۹۳:۴۵۵).

جوامع گوناگون بنا به تجربه زیسته خود یا جهان‌زیست‌شان دست به خلق سبک‌های هنری ویژه خود می‌زنند که از کانال‌های ذهنی و عینی آن جامعه عبور کرده و به فعالیت هنری تبدیل شده است. بدین ترتیب است که فهم هنر، فهم فرهنگ را لازمه خود می‌سازد. در واقع هنر یکی از ابزارهایی است که توسط آن تصویر یک فرهنگ در زمان و فضا انتقال می‌یابد (مورفی و پرکینز، ۲۰۰۶: فکوهی، ۱۳۷۸). بنابراین می‌توان گفت که «هنر، روایت فرهنگ است»؛ از این‌رو هنرمندان راویان فرهنگ هستند. روایت‌های فرهنگی در قالب اشکال متنوع هنری و آثار هنری باز نمود یافته و بیان می‌شود. جایی که می‌توان ارتباط میان روایت و هنر را در انسان‌شناسی به بهترین وجهی یافت، تعبیر فرهنگ بیانی است. روایت، داستانی است که در قالبی ساختنی (نوشتاری، گفتاری، شعر، نثر، تصاویر، آواز، تئاتر و...) خلق شده است که بی‌آبی‌های رویدادهای ساختگی یا واقعی را توصیف می‌کند. در بررسی ارتباط میان روایت و هنر در انسان‌شناسی بایستی به سوی رویکردی از هنر در انسان‌شناسی رفت که فراتر از اثر هنری به مثابه سازمان صوری و شکل خوب یا شکل زیبا، آن را در ارتباط با عملکردش در نظر می‌گیرد (لیتون، ۱۹۹۱:۵). اینجا عملکرد هنر به معنای ایده‌بخشی آن و کمک به ادراک انسان از محیطش است. از این نظر هسته اصلی هنر به وجود آوردن فهمی است برای مخاطب

هنر. از نظر آندره لورا - گوران (۱۹۸۶-۱۹۱۱)، انسان‌شناس و باستان‌شناس، «هنگامی که انسان پالتولیتیک این مجموعه‌های نمادها را سرهم‌بندی می‌کند، به خاطر این است که می‌خواهد چیزی بگوید» (باستید، ۱۳۷۷:۹۷). به همین دلیل نمادگرایی (به معنای اعم آن) در تعریف هنر در این رویکرد برجسته و مهم می‌شود و لذا کاربرد نظریه‌های نشانه‌شناسی^{۱۹} و معناشناسی^{۲۰} ضروری است.

گیرتس در مقاله هنر به مثابه یک نظام فرهنگی، معتقد است که هنرمند با نشانه‌هایی کار می‌کند که جایگاهی در نظام‌های نشانه‌شناسی یا معنایی جامعه دارند. در نشانه‌شناسی هنر با نوعی از تاریخ طبیعی نشانه‌ها و نمادها سروکار خواهیم داشت: «یک مردم‌نگاری از ابزارهای معنا» (گیرتس، ۱۹۷۶:۱۴۸۸). نشانه‌شناسی برای اینکه در مطالعه هنر کاربرد موثری داشته باشد، بایستی فراتر از بررسی نشانه‌ها به مثابه ابزارهای ارتباط، کدهایی برای رمزگشایی رفته و به سوی بررسی «نشانه‌ها به مثابه شیوه‌های اندیشه»، تعبیری برای تفسیر، حرکت کند (همان: ۱۴۹۹).

انواع اشکال هنری با کاربرد نمادهایی در پی القای اندیشه و ایده‌ای از جهان زیست هستند و این کاربرد نمادهاست که اثر هنری را از دیگر آثار جدا می‌سازد. به این ترتیب از دیدگاه انسان‌شناسی اثر هنری معنا دارد و تنها شکل خوب آن (بعد زیبایی‌شناختی اثر) نمی‌تواند معین‌کننده یک اثر هنری باشد. از این نظر موسیقی می‌تواند روایت‌های مختلفی از مفهوم آفرینش باشد و یا بیان احساسات ناب انسانی همچون ایثار، قهرمانی، اضطراب، رهایی و رستگاری باشد. شعر نسبت به امر معنا و ایده حتی بسیار واضح‌تر است، چرا که از مقوله زبان عمومی استفاده می‌کند، اما با کاربری ویژه و شاید حتی نامتعارف از واژگان به نحوی که از اساسی‌ترین کارکردهای آن «آشناندایی» است (احمدی، ۱۳۸۶:۴۷) تا تصور دیگری از جهان را توسط واژگان به مخاطب انتقال دهد و آگاهی انسان را دگرگون سازد (ولف، ۱۳۷۶:۱۱۱). اینجا نیز شکل در اختیار ایده قرار می‌گیرد.

در زیبایی‌شناسی روایت^{۲۱}، هنر روایت^{۲۲} کاری به غایت زیبایی‌شناختی است. در دیدگاه انسان‌شناختی اشکال مختلف زبانی روایت‌های مردمی^{۲۳} مانند داستان‌ها، افسانه‌ها و اسطوره‌ها نیز تبدیل به هنر می‌شوند، اما هنری بدون مؤلف. هنرهای مردمی^{۲۴} را شاید بتوان به بهترین وجهی در همین آثار انسانی یافت. بنیان‌های ذهنی و اندیشه‌های کاتونی انسان‌های ابتدایی با کاربرد انواع نشانه‌ها و نمادها در داخل روایت‌هایی گنجد است که هر یک از آنها معنایی را در هستی‌شناسی به خود اختصاص می‌دهند. اما هر یک از روایت‌ها نهایتاً نیز در داخل مجموعه روایت‌های یک فرهنگ

به سطح دیگری از معنائیز انتقال می‌یابند. این مجموعه کلی و منسجم روایتی، ایده و آرمان زیرین یک فرهنگ را نشان داده و تشکیل می‌دهد.

هنر و روایت اساطیر

جیمز فریزر (۱۹۴۱-۱۸۵۴)، از بنیانگذاران انسان‌شناسی، با مطالعه تطبیقی هنرهای مناسکی اقوام گوناگون به این نتیجه می‌رسد که اجرای هنرهای مناسکی در واقع نمایشی شدن یا دراماتی‌زاسیون اساطیر است (فریزر، ۱۳۸۴: ۶۷۷). از سوی دیگر لورا-گوران، با بررسی نگاره‌ها و نقاشی‌های غارهای انسان‌های اولیه، نقوش هنر دوره پارینه‌سنگی جدید را اسطوره‌نگاشت^{۲۵} می‌داند: «انسان غارنشین این نشانه‌ها را به این منظور با هم تلفیق می‌کند تا یک مجموعه اسطوره‌ای را به زبان تصویر ترجمه کند و یک اسطوره‌نما یا نمودار اسطوره‌ای بسازد» (باستید، ۱۳۷۷: ۹۷). تولد هنر بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار سال پیش در جامعه انسانی به وقوع پیوسته است. هنر شگفت‌انگیز غارها یا هنر دیواره‌ای که به صورت بسیار متحول و پیشرفته در دوره پارینه‌سنگی جدید به ظهور رسیده است (۴۰ هزار سال پیش) نمایانگر «بینشی نمادین و پیشرفته از جهان» است که بدون شک با یک اسطوره‌شناسی پیچیده همراه شده است (دورتیه، ۱۳۸۲: ۳۲۶). تصورات و بنیان‌های روایت‌های اساطیری خود را در صورت انواع هنرهای ابتدایی باز نمود می‌ساخته‌اند، لذا هنر ابتدایی، بیانی اسطوره‌ای به خود می‌گیرد و تبدیل به یکی از اصلی‌ترین کانون‌های انتقال مفاهیم اساطیری می‌شود. هنر پیش از تاریخ بیش از هر چیز با نقاشی‌های دیواره‌ای یا صخره‌ای، سنگ‌نگاره‌ها و صخره‌نگاره‌ها شناخته می‌شود.

هنر ابتدایی بستری است برای انسان ابتدایی تا اولین اشکال تفکر درباره شیوه زیست عناصر مختلف کیهان، نیز جایگاه هر یک در این نظام کیهانی، کارکرد و هدف‌شان را در آن باز نمود سازد. نبود شیوه بیان نوشتاری و خط، به این فرایند شدت بیشتری می‌بخشد. بنابراین می‌توان گفت که بیان‌های هنری نه تنها قبل از خط بلکه قبل از زبان نظام‌مند (و نه زبان نشانه‌ای و نمادین با اصوات نه چندان منظم) به وجود آمده و به ایفای نقش کانونی خویش در گفتار جامعه ابتدایی پرداخته است. ژان کلوت، باستان‌شناس، و دیوید لوی-ویلیام، انسان‌شناس، معتقدند که «نقاشی‌های دیواره‌های غارها در ارتباط با مراسم آیین‌های جادویی بوده‌اند» (دورتیه، ۱۳۸۲: ۳۲۶). آیین‌های جادویی که به ارتباط انسان‌ها با نیروهای فراطبیعی و نیز تأثیرگذاری آنها بر انسان‌های دیگر و نیز نظام طبیعی و مادی

کیهان تعلق دارند، در شکل مراسم پرابهتی برگزار می شده‌اند، مراسم گرای رفتارهای جادویی و در شکلی دیگر شمنی از آن رو بوده است که اولاً اجتماع و روح جامعه را گرد آورند و ثانیاً اهمیت وجودی این نمایش‌ها در جهت بقای قوم را برای انسان‌ها نشان دهند. هنر ابتدایی با عینی کردن ذهنیت (البته در نوع ویژه‌ای) آگاهی کسب شده را نشان می‌دهد، اما فراتر از آن به جهت بخشیدن اندیشه و آگاهی نیز می‌پردازد. هنر ابتدایی می‌گوید که کیهان بایستی چگونه باشد و در این چگونگی انسان‌ها چه نقش و جایگاهی دارند.

هنر ابتدایی، امر مقدس و امر نخستین

انسان‌های ابتدایی ابزارهای بیانی مختلفی را به وجود آورده‌اند، این ابزارها تمامی زبانی‌اند (حتی قبل از مستعد شدن ساختار دهان و حلق برای خلق زبان شفاهی) یعنی گفتاری ویژه در آنها نقش‌بندی می‌شوند. شاید قبل از هر چیز انسان ابتدایی از عناصر نزدیک به خود برای گفتن (درباره خود، دیگری، محیط) استفاده می‌کرده است: بدن، بدن با ساختاری متشکل از اجزائی برای آغاز ارتباط و گفتار ارتباطی سازمان‌زبانی می‌یافته است. نشانه‌هایی با نگاه و یادگیری از اشیاء و رویدادهای طبیعی (طبیعت شامل گیاهان، حیوانات و دیگر موجودات غیرانسانی) تقلید می‌شوند و در مرحله بعد اندکی تغییر می‌یابند تا در قالب و حدود بدن درآیند. اما نشانه‌های دیگری نیز به کار می‌آیند و آن دست بردن به اشیاء محیط زیستی است: تزئین گرای بدنی، رنگ‌های متنوع بر بدن و در بدن جای می‌گیرند، اشیائی بر بدن نصب می‌شوند و عناصر طبیعی غیرقابل انتقالی در کنار بدن قرار می‌گیرند. بدن به دلیل اینکه همواره همراه انسان است، سطح عمیق‌تری از بیان را از دیدگاه هستی‌شناختی با خود حمل می‌کند.

هنر ابتدایی در قالب‌های تجسمی (مجسمه‌سازی و پیکرتراشی)، ترسیمی (نگاره‌ها و نقاشی‌ها)، شنیداری (موسیقی و آواز)، نمایشی (انواع مناسک)، کلامی (شعر و روایت) دربردارنده نوع جهان‌بینی قومی است که شکلی متعالی به خود گرفته است و از این رو در ارتباط با امر مقدس قرار دارد. اما در مورد هنر ابتدایی بایستی با تفکیک امر متعالی / امر عادی و گستره آنها با احتیاط برخورد کرد: در زندگی ابتدایی این دوگانه‌انگاری‌ها همانند دنیای مدرن متمایز نشده‌اند. شاید بتوان جلوه بارز بعد معنوی یک فرهنگ را در هنر آن جست. هنرها بیشتر روح فرهنگ را مجسم و منقش

می‌سازند. اما باز اندیشه ابتدایی چنان تفکیکی را میان روح / جسم قائل نمی‌شود که اندیشه جدید چنان می‌کند. بنابراین می‌توان گفت که زندگی انسان ابتدایی در هنر و با هنر صورت می‌گیرد. بارگذاری معنایی و حک کردن نشانه‌های نمادین در قالب پیکره، نقش، نت، آوا، نمایش و کلام به مثابه قالب‌های هنری و زیبایی‌شناختی، روایتی هر چه عمیق‌تر از زندگی را نشان می‌دهد.

بارویکردی تعالی‌جویانه، هنرهای ابتدایی در پی نشان دادن نمونه‌های آرمانی و اصیل زندگی هستند که در زمانی و مکانی صورت یافته است، و اینک تنها ایده آن در زیرین‌ترین لایه‌های ذهنی رسوب یافته است که در هنگام خلق هنری^{۳۶} به سطحی بالاتر و محسوس‌تر و لذا قابل انتقال به شکل هنری^{۳۷} می‌رسد. یکی از این لایه‌های عمیق و بنیادین ذهنی اسطوره است. اسطوره به مثابه روایت آغازین و لذا روایتی مقدس (ر.ک.، الیاده، ۱۳۸۶: ۱۱-۱۰)، به چگونگی وجود یافتن و آفرینش اولیه کیهان و انسان می‌پردازد. نخستین اندیشه، نخستین موجود، نخستین انسان، نخستین تمایل‌ها، نخستین علائق، نخستین تقابل‌ها و... پیکره اسطوره را می‌سازند و همواره نخستین با مقدس تداعی می‌شود. نخستین چیزها به دلیل اینکه منشأ وجودی انسان را عهده‌دارند، مقدس‌اند، و چون مقدس‌اند، خوب هستند و تصور آنها زیباست.

فصلنامه هنر
شماره ۸۱

۲۰۵

انسان ابتدایی در مقابل اسطوره که نخستین است، خود را در مقام دومین می‌بیند و از این‌رو رسیدن به اولین، نخستین، و مقدس‌ترین راه‌هدف محوری و تنها هدف خویش قرار می‌دهد. اما برای درک نمونه نخستین بایستی ابزاری به وجود آید تا انسان را به ژرف‌ترین سطوح روحی و ذهنی جهت نزدیک شدن به امر نخستین یاری کند: تولد هنر. هنرها چنان عظمت و جایگاه والایی را به دست می‌آورند که عموماً در مکان‌های مقدس و زمان‌های مقدس صورت می‌یابند. هنر تبدیل به عرصه‌ای می‌شود که در آن ایده نهایی و آرمان یک فرهنگ به اوج خود می‌رسد. زاینده‌گی بی‌انتهای هنر نیز از همین والابودگی حوزه فعالیت آن است. خلاقیت بی‌مثال هنر از جایی نشأت می‌گیرد که در آن روح و جسم با نهایت قدرت و تمامیت وجودی به سوی امر والا روی می‌کنند. زبان هنر زبانی است که گوشه‌هایی از پدیداری نوع نخستین را نشان می‌دهد. اما نوع نخستین، نمونه مثالی افلاطونی نیست، بلکه برای انسان ابتدایی نمونه پیشین او و لذا نمونه اجدادی اوست که زمانی (در بی‌زمانی اسطوره‌ای) وجود حقیقی و واقعی داشته است.

هنرها از این‌روی شکل می‌گیرند تا نحوه رخ دادن و کیفیت این نخستین‌ها را در خود به ثبت برسانند

تا اصلی‌ترین خزانه فرهنگی قومی حفظ و منتقل شود و در این انتقال فرهنگی باز گوشه‌های دیگری از این پدیداری توسط نسل‌های بعدی بر آن افزوده شود (بسط امر نخستین در هنر). هدف از این امر، هنرها و بسط زمانی‌شان، ترسیم اصلی‌ترین داشته فرهنگی و اصلی‌ترین شکل آرمانی فرهنگ است. هنرهای ابتدایی به تدریج (در زمانی) سعی در گردآوری روایت نخستین انسان دارند؛ روایتی که بهترین و زیباترین الگوی زیست را برای آن فرهنگ به وجود می‌آورد و آن را گام به گام به نخستین خود نزدیک می‌سازد: زایش هویت. روایت نخستین روایت هویت است، روایت خود است و این اصلی‌ترین دلیل تقدس روایت‌های امر نخستین است و هنرها که به دنبال بیان‌های مختلفی و متنوعی (در اشکال تجسمی، ترسیمی، آوایی و...) از این روایت‌اند، مقدس می‌شوند. لذا هر بیان هنری، بیان خود می‌شود و از این رو شورانگیز و برانگیزاننده و محرک است: هنرهای ابتدایی نمایش‌دهنده هویت نخستین یک فرهنگ هستند.



پی‌نوشت‌ها:

فصلنامه هنر
شماره ۸۱

۲۰۶

1. Primitive Art
2. Exotic Art
3. Ancient Art
4. Tribal Art
5. Archaeological Art
6. Aboriginal Art/ Indigenous Art/ Native Art
7. Pre-Columbian Art
8. Negro Sculpture
9. Folk Art
10. Indian Art
11. Ethnic Art/ Ethnoart
12. Traditional Art
13. Non-Western Art

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

14. Semantic
15. Aesthetic
16. Presentational
17. Representational
18. Expressive Culture
19. Semiotics
20. Semantics
21. Narrative Aesthetics
22. Art of Narrative
23. folk tales
24. folk arts
25. mythograph
26. artistic creation
27. artistic form

فصلنامه هنر
شماره ۸۱
۲۰۷



منابع

- دورتیه، ژان- فرانسوا (۱۳۸۲) علوم انسانی: گستره شناخت‌ها، ترجمه مرتضی کتبی و دیگران، تهران: نشر نی.
- فکوهی، ناصر (۱۳۷۸) اسطوره‌شناسی سیاسی: هنر، اسطوره، قدرت، تهران: انتشارات فردوس.
- احمدی، بابک (۱۳۸۷) ساختار و تأویل متن، تهران: نشر مرکز.
- باستید، روزبه (۱۳۷۳) هنر و جامعه، ترجمه غفار حسینی، تهران: انتشارات طوس.
- فریزر، جیمز جرج (۱۳۸۴) شاخه زوین پژوهشی در جادو و دین، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران: انتشارات آگاه.
- ولف، جانث (۱۳۷۶) تولید اجتماعی هنر، ترجمه نیره توکلی، تهران: نشر مرکز.
- الیاده، میرچا (۱۳۸۶) چشم‌اندازهای اسطوره، ترجمه جلال ستاری، تهران: انتشارات توس.
- Geertz, Clifford (1976) "Art as a Cultural System", in, *MLN Comparative Literature*, The Johns Hopkins University Press, Vol. 91, No. 6, pp: 1473-1499.

- Morphy, Howard (1994) "The Anthropology of Art" ,in, Companion Encyclopedia of Anthropology , Edited by Tim Ingold, London & New York: Routledge.
- Silver, Harry A (1979) "Ethnoart" ,in, Annual Review of Anthropology , pp: 267-307.
- Inverarity, Robert Bruce (1955) "Anthropology in Primitive Art" ,in, Yearbook of Anthropology , pp: 375-389.
- Layton, Robert., 1991, The Anthropology of Art, Cambridge, Cambridge University Press, Second Edition.
- Ember, Carol R & Ember, Melvin (1993) Anthropology ,New Delhi: Prentice-Hall of India.
- Boas, Franz (1955) Race, Language and Culture ,New York, The Macmillan Company.
- Boas, Franz (1938) "Literature, Music, and Dance" ,in, General Anthropology, Edited by Franz Boas, Boston, D. C. Heath & Company.
- Levi-Strauss, Claude., 1967, Structural Anthropology ,London, Penguin Press.
- Morphy, Howard & Morgan Perkins (2006) The Anthropology of Art, Oxford, Blackwell Publishing.
- Tylor, Edward B (1964) Researches into the Early History of Mankind and the development of Civilization, Chicago: The University of Chicago Press.
- Firth, Raymond (1971) Elements of Social Organization ,London: Tavistock Publication.
- McAdams, Dan P. et al (2006) Identity and Story: Creating Self in Narrative , Washington, DC: American Psychological Association.

فصلنامه هنر
شماره ۸۱

۲۰۸

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی